



یادداشت

"از کوزه همان تراود که در اوست"

به بهانه ی انتشار یک نظر پرسى

صادق کار



بر اساس یک نظر سنجی که اخیرا با مراجعه به ۲۱۳۰ نفر در کانال تلگرام روزنامه "دنیای اقتصاد" در مورد مسعود پزشکیان انجام گرفته و گزارش آن در این روزنامه منتشر شده است، ۷۲ درصد از پاسخ دهندگان از عملکرد دولت پزشکیان ابراز نا رضایتی نموده‌اند و ۸۹ درصد نیز گفته‌اند با سیاستهای اقتصادی دولت کم یا خیلی کم موافقت دارند. از نحوه انعکاس پاسخ ها پیداست که دست اندر کاران سعی کرده‌اند تا حدودی ملاحظه دولت را بنمایند. معلوم نیست که این نظر پرسى در میان کدام گروه های اجتماعی انجام گرفته ولی بهر حال به مصداق (مشت نمونه خروار است) از وجود نارضایتی گسترده از عملکرد دولت یا اگر دقیقتر بخواهیم بگوییم از عملکرد حکومت حکایت دارد و با گزارشات منتشر شده و حال و احوال مردم نیز نظر سنجی تا حدود زیادی انطباق دارد.

تا کنون نظر سنجی های متعدد و جامعتری نیز بمناسبت های مختلف انجام گرفته اما با این وجود اثری از تاثیر آنها روی عملکرد حکومت مشاهده نشده و حکومت بدون توجه به آنها راه و رسم خود را دنبال می کند. دنیای اقتصاد در قسمتی از تحلیل این نظر سنجی می نویسد "از منظر تحلیلی، باید میان «نارضایتی از وضع موجود» و «عدم اعتماد به سیاست‌های آینده» تمایز قائل شد. نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که نارضایتی موجود نه فقط محصول مشکلات فعلی مانند تورم یا رکود، بلکه ناشی از تردید نسبت به توان و اراده دولت در تغییر مسیر است" یعنی اینکه از این دولت انتظار نمی رود بتواند حتی در آینده اوضاع را در جهت بهبود وضعیت مردم مدیریت کند. زمانی که روزنامه ی مدافع سیاستهای اقتصادی سرمایه‌داری و حامی پیشین پزشکیان این چنین به بهانه یک نظر سنجی عملکرد وی را نقد و نفی می کند، تصورش را بکنید که نظر کارگرانی که ماه هاست دستمزد اندک زیر خط فقرشان را نگرفتند و محتاج نان شب شان هستند چه حال و روزی و چه نظری نسبت به رئیس جمهور و سیاستهای عدالت ستیزانه حکومت و رئیس جمهور محبوب خامنه‌ای دارند. سرمایه داران به حال آنقدر رسانه و نفوذ در حکومت دارند که می توانند آزادانه و بدون نگرانی مطالباتی را که دارند مطرح ک خواسته هایشان را پیش ببرند . اما کارگران و بی چیز شدگان نه تنها از داشتن رسانه های قانونی که بتوانند حرف شان را بزنند و از حقوق شان دفاع کنند محروم هستند، بل که حتی اگر بخاطر ندادن دستمزد پرداخت نشده چند ماهه گذشته شان اعتراض کنند، دسته دسته اگر شانس بیاورند و آنها را بخاطر طلب دستمزدشان به زندان نفرستند از کار اخراج می شوند. واقعیت



این است که مهمترین دغدغه اکثریت مرد و وضعیت معیشت شان است که به نظر می رسد هم در سوالات همه پرسشی دنیای اقتصاد و هم در تحلیل نظر پرسشی روزنامه عامدانه مفعول مانده اند. باید گفت اگر سرمایه داران از وضعیت ناراضی هستند فشار معیشتی به اکثریت مردم به حدی رسیده که آنها را به مرز طغیان کشانده است.

فشل بودن دولت پزشکیان و تبعیت بی چون و چرای پزشکیان از خامنه ای برای مردم موضوع ناشناخته ای نیست. خود او نیز از آغاز به اینکه تابع و امر بر "رهبر" است و می خواهد مجری خوبی برای پیشبرد سیاستهای ابلاغی رهبر، یعنی همان سیاستهایی که کشور را تا لب پرتگاه سقوط پیش برده باشد را صراحتاً اعلام کرده و در عمل نیز تا کنون به آن پایبند مانده است. بقول معروف از کوزه همان تراود که در اوست

او البته گاه و بیگاه برای اثبات خودش انتقاداتی هم از "تندروها و تندروی های" مخالفان درون سیستمی خود می کند اما نه طوری که به تیریز قбай رهبر بر بخورد. حتی یک بار نیز شهادت به خرج داد و گفت طرفدار مذاکره با امریکاست، ولی چون رهبر با آن مخالف است نظرش را مسکوت می گذارد. دیروز او در سخنرانی اش در سازمان ملل با استناد به آخرین سخنرانی خامنه ای همان حرفهای او را تکرار کرد

با این اوصاف عجیب است که حامیان و شرکای "اصلاح طلب" ایشان که آن همه برای غالب کردن وی بعنوان اصلاح طلب به مردم تقلا کردند، حالا عملکرد او را زیر سوال می برند و از وی چیزهایی را طلب می کنند که در توان و ظرفیت او نیست

وضعیت کنونی البته تنها نتیجه ضعف و عملکرد پزشکیان نیست، پزشکیان فقط یک مجری است که مانند اکثر دولتهای پیشین با این تفاوت که سرسپرده تر از سلف خود به خامنه ای است مجری سیاستهای خامنه ای است. بنا بر این به رفقای منتقد اصلاح طلب و دشمنان اقتدارگرایی او باید گفت هرچه فریادی دارید اگر جرات فریاد زدن دارید آنرا بر سر رهبر بزنید. درست است که تحریم های جنایتکارانه امپریالیسم امریکا و شرکاء علیه مردم ایران در ایجاد وضعیت اقتصادی کشور بی تاثیر نیست، اما نقش عمده حتی تا حدودی در ارتباط با تحریم های گسترده و روز افزون نتیجه رویکردهای اقتصادی اجتماعی حکومت و سیستم استبدادی و فاسد فقهائیت تحت رهبری خامنه ای است. بهمین جهت تا زمانیکه سیستم ارتجاعی و ضد دموکراتیک فقهائیتی بر کشور حاکم باشد، انتظار نباید داشت جامعه در مسیر توسعه و ترقی و عدالت و رفاه قرار بگیرد و مردم از امنیت و آزادی برخوردار شوند

اتحاد رمز پیروزی است!

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!

سومین سالگرد جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و یاد جان باختگان و آسیب دیدگان و زندانیان جنبش را گرامی می داریم و دست آوردهای انقلابی و مترقیانه آن را ارج می نهیم و خود را متعهد و مکلف به محافظت از دست آوردها آن می دانیم!



تحول اندیشه در باره فقر: بررسی تعاملات بخش بیست و دوم

Lyn Squire و لین اسکوائر Ravi Kanbur نوشته راوی کانبور



5 آسیب‌پذیری و صدا

5.2 مقابله با ریسک – ادامه

بیمه‌های عمومی ممکن است تلاش‌های خصوصی را تحت الشعاع قرار دهند یا حتی کنار بزنند. به همین و (Datt) دلیل مهم است که ترجیحات مردم در تخصیص زمان درک شود. برای مثال دات هزینه‌های فرصت مشارکت کنندگان در طرح‌های تضمین اشتغال و کار عمومی روستایی (Ravallion) را در دو روستای هند بررسی کردند. در یکی از این روستاها، بیشتر شرکت کنندگان در طرح‌های تضمین اشتغال، وقت خود را به جای گذراندن در بیکاری به این فعالیت‌ها منتقل می‌کردند، بنابراین هزینه فرصت آنان پایین و منافع خالص شان از برنامه بالا بود. در روستای دیگر، اشتغال در طرح‌های کار عمومی عمدتاً جایگزین کار مزدی و کار در مزرعه خود افراد می‌شد، که منجر به هزینه فرصت بسیار بالاتر و منافع خالص پایین تر بود.

در تحقیقات شان این را بررسی کردند که "آیا انگیزه انتقالات (Jimenez) و خیمنس (Cox) همچنین کاکس خصوصی در پرو نوع دوستی است یا مبادله؟" این نکته اهمیت دارد، زیرا چنین انگیزه‌ای می‌تواند بر آثار انتقالات درآمدی عمومی اثر بگذارد. آنها دریافتند که مزایای تأمین اجتماعی انتقالات خصوصی را "به حاشیه می‌راند"، به این ترتیب که دریافت مساعده زیر پوشش تأمین اجتماعی احتمال دریافت کمک‌های خصوصی، مثلاً از افراد خانواده، را حدود 6 درصد کاهش می‌دهد. این اثر در فیلیپین قوی تر هم بود: کاکس و خیمنس نشان دادند که در این کشور در نبود درآمد بازنشستگی، انتقالات خصوصی 37 درصد بیشتر بود. هرچند این عوامل باید هنگام طراحی اقدامات عمومی مدنظر قرار گیرند، اما هنوز دو دلیل برای پافشاری بر طرح‌های عمومی وجود دارد. اولاً همان طور که در این نمونه‌ها می‌بینیم، جبران (کاهش انتقالات خصوصی در برابر انتقالات عمومی) یک به یک نیست، به این معنا که کاهش کمک‌های خصوصی برابر عایدات ناشی از طرح‌های فقرزدایی عمومی نیست؛ دوم این که بیمه در برابر ریسک‌های گسترده در سطح روستا یا منطقه به احتمال زیاد از طریق سازوکارهای غیررسمی محقق نمی‌شود.



بحران شرق آسیا در دهه 90 قرن گذشته به شکلی بسیار چشمگیر و ناگوار بر اهمیت شبکه‌های ایمنی تأکید کرده است. کشورهایی مانند اندونزی برای مقابله با پیامدهای بحران نه از منابع مالی چندانی برخوردار بودند و نه سازوکارهای اداری لازم را داشتند. اقداماتی که اکنون در حال انجام اند، شبکه‌های ایمنی و تأمین اجتماعی را در سراسر منطقه تقویت خواهند کرد. اما اینجا درسی برای سیاست اقتصاد



(تصریح کرده است "درجهٔ ریسک در سیاست اقتصادی Stiglitz کلان نیز وجود دارد. همچنان که استیگلیتز (کلان باید در پرتو توانایی برای حمایت از شهروندان در صورت بروز بحران و همچنین میزان اقدام بین المللی در محدود کردن احتمال وقوع بحران مدیریت شود". در نبود يك شبکهٔ ایمنی داخلی کافی و محدودیتهای بین المللی بر سرمایه گذاران، ریسکهای ناشی از آزادسازی بازارهای مالی و حساب سرمایه بسیار بزرگ است.

بسیاری از بررسیهای مشارکتی فقر که پیش تر مرور شدند، به نگرانی نسبت به ریسک اشاره داشتند. شواهد دیگری نیز به هزینه های اقداماتی اشاره دارند که فقرا ناگزیر اند برای جبران ریسک یا مقابله با پیامدهای آن متحمل شوند. دهند. همزمان مجموعه ای رو به رشد اما هنوز ناقص از شواهد درباره اقدامات عمومی برای کاهش این بعد از فقر در دسترس است. هرچند همهٔ شواهد در يك جهت نیستند و به وضوح ارزیابیهای بیشتری مورد نیاز اند، اما تجربه نشان می دهد که ترکیبی از برنامه های تضمین اشتغال و کار عمومی، طرحهای وامدهی گروهی (در صورت لزوم همراه یارانه) و طرحهای سادهٔ سپرده گذاری، حداقل این مزیت را دارند که پشتیبانی ولو محدودی را برای فقرا در مواجهه با ریسک فراهم می کنند.

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

نامه نویسی، اثر ندارد، راه کار اعتصاب جمعی است

صادق



به گزارش خبرنگار ایلنا، جمعی از نیروهای شرکتی وزارت نفت در نامه‌ای به وزیر نفت، خواهان پایان دادن به نابرابری بین نیروهای رسمی و شرکتی و حذف پیمانکاران شدند. در بخشی از نامه گفته شده ما از ابتدایی‌ترین حقوق و مزایا محروم هستیم کارگران شرکتی

این نامه در شرایطی نوشته شده که اعتراضات کارگران و کارکنان نفت که از مدتها پیش شروع شده در هفته‌های اخیر به اوج خود رسیده است. با این وجود مدیران شرکت نفت تا کنون حاضر نشده‌اند به مطالبات کارگران و کارکنان رسمی پاسخ مثبت بدهند. وقتی مدیران دولتی در مقابل کارکنان رسمی حق طلب شرکتی نفتی با وجود اعتراضات همه روزه این همه سرسختی نشان می دهند، چگونه نویسندگان نامه



انتظار دارند با نوشتن چنین نامه های خواسته های شان مورد توجه مدیران قرار بگیرد و پاسخ مثبت از آنان دریافت کنند؟

مگر نه این است که مدیران و مقامات دولتی همه ی درخواستهای مشابه را که بارها برای آنان فرستاده شده بی پاسخ گذاشته اند؟ حالا مگر چه تحول تازه ای رخ داده که نویسندگان نامه بجای پیوستن به اعتراضات حق طلبانه همکاران رسمی شان همچنان خود را معطل روش های کرده اند که از جانب جریان حکومتی خاصی القاء می شود که اهدافی غیر از پیگیری حقوق کارگر را دنبال می کند و خودشان جرات نمی کنند با هویت تشکیلاتی شان اظهار نظر کنند

نوشتن نامه به مقامات و مدیران امر مذمومی نیست و یک شیوه مبارزه مطالباتی است و کسی اصولاً اگر نامه به موقع و با در نظر گرفتن شرایط نگاشته شود مخالف آن نیست. ولی زمانی که این گونه روشها بی خاصیت بودن شان در عمل اثبات شده، آزمودن مکرر آن خطاست. نامه حتی اگر به موقع و در شرایط مناسب نوشته شود برای اینکه اثر داشته باشد باید برای مخاطب روشن باشد که نامه از پشتیبانی یک تشکل جدی و مورد قبول کارگران برخوردار است. همچنین می باید همراه با تعیین فرصت برای رسیدگی باشد و اگر در موعد مقرر به آن پاسخ داده نشد، نویسندگان نامه باید قادر به انجام کنش مناسب باشند. در این نامه هیچ یک از این شروط ملحوظ نشده بنا بر این مخاطب نامه نیز آن را جدی نخواهند گرفت

تشکلی که از ابتدا با چراغ سبز مدیران شرکت برای بی اثر کردن فعالیت یک تشکل واقعی و سازمانگر سرهم بندی شده و حتی جرات نمی کند با نام خود مطالبه گری نماید، نمی تواند کوچکترین قدمی در راه عملی کردن مطالبه اصلی کارگران شرکتی و پیمانی که رسمی شدن است به جلو بردارد زیرا برای هدف دیگری اجازه فعالیت رسمی به آن داده اند

اعتراض و مطالبات کارگران شرکتی همگی به حق و در واقع حداقلی هستند. اما اگر مقامات حکومتی به این مطالبات پاسخ درخور نمی دهند بخاطر آن نیست که مدیران و مالکان شرکتهای پیمانکاری نمی دانند مطالبات کارگران شرکتی زیادخواهانه و عادلانه نیستند و بهمین خاطر از عملی کردن خواسته های کارگران طفره می روند. خیر چنین نیست آنها خوب می دانند چه می کنند. رسمی نکردن کارگران شرکتی دستکم ۴۰ درصد سود اضافی نصیب صاحبان سرمایه دار شرکتهای پیمانکاری می کند بنا براین با رسمی کردن کارگر آنها ۴۰ درصد از سود اضافی را که از بابت هر شغل می برند از دست می دهند. این است دلیل اصلی بی نتیجه ماندن همه ی تلاشهای تا کنونی کارگران. رژیم نه تنها می خواهد این سیستم را همچنان بر پا نگه دارد، بلکه سالهاست در حال گسترش آن و امحاء کار رسمی و تبدیل رسمی ها به شرکتی است. سود اضافی شیرین بسیار کلان و بی زحمتی در این کار است که حاضر نیستند به آسانی از آن دل بر کنند. بی جهت نیست که بعد از بیا و بروهای بسیار پس از گذشت ۴ سال از تهیه طرح رسمی کردن کارگران شرکتی در مجلس مافیایی اثری از تصویب آن نیست

گفتم که حتی رژیم مقابل اعتراضات کارگران رسمی هم رویه امتناع از پذیرش را برگزیده است. زمانی که حتی تجمع های انبوه و همه روزه در صنعت حیاتی نفت و گاز جواب نمی گیرند، اولین راه کار ارتقا سطح مبارزه از اعتراض به اعتصاب و توقف تولید است

کارگران شرکتی نیز علاوه بر اینکه لازم است سطح مبارزات خود را از نامه نگاری به اعتصاب ارتقاء دهند بلکه اهمیت حیاتی دارد بتوانند با همکاران رسمی خود اعتصاب مشترک برگزار کنند و به آنان به چشم رفیق



بنگرنه رقیب. انداختن تفرقه میان رسمی ها و شرکتی ها که آثار آن در نامه ی "کارگران" مشهود است. کار تفرقه اندازان حکومتی را برای تحکیم سلطه حکومت و کارفرمایان بر هر دو گروه را تسهیل می کند.

اخراج ۳۰ کارگر فولاد بخاطر اعتراض به دوماه دستمزد معوقه

ع امید



:خبر گزارى ایلنا دو روز پیش خبر اخراج ۳۰ نفر از کارگران کارخانه فولاد اهواز را منتشر و نوشت

هفته گذشته جمعی (حدود سی نفر) از نیروهای شرکت گروه ملی فولاد ایران در اهواز اخراج شدند. البته "مکانیزم این تعدیل نیرو تا حدی پیچیده است و در قالب پیشنهاد قرارداد یک ماهه (برای کارگران معترضی که "قرارداد یکساله داشته اند) و سپس عدم تمدید قرارداد و بستن کارت آن ها پیش رفته است

یک روز بعد همین خبرگزار از تصمیم به محاکمه پنج نفر دیگر از کارگران و تهدید کارگران به اعتراض در صورت محاکمه همکاران خود خبر داد.

علت اخراج ها و محاکمه شرکت این عده در اعتراض اخیر است و دلیل اعتراض امتناع مدیریت از پرداخت دستمزدهای دو ماه گذشته، عدم اجرای طبقه بندی مشاغل و مشکلات بیمه ای بوده است.

واقعا وضعیت عجیبی حاکم شده، دستمزد دو ماه کارگر را نمی دهند، مزایای مزدی را قطع می کنند و وقتی کارگر اعتراض می کند عده ای از آنان را اخراج و تعداد دیگری را می خواهند بخاطر طلب دستمزد شان به محاکمه بکشند!

یعنی بجای محاکمه کارفرما که آشکارا مطابق قوانین موجود مرتکب جرم شده است کارگر را مجازات می کنند.

البته چنین حق کشی ها و ستمگری هایی در نظام اسلامی مدعی پیرو عدل علی بی سابقه نیست، اما در ماه های اخیر این نوع برخوردها به شدت افزایش پیدا کرده است. در این میان مدیران کارگر ستیز وزارت کار و دستگاه ستم پرور دادگستری که باید به حکم وظیفه مجری قانون باشند بجای اینکه مانع از این ستمگرای ها بشوند، بیشرمانه ستمدیدگان را مجازات می کنند.

کارگران اخراجی با این احوال بیکار نشستند و وقتی دیدند مسئولین محلی از پیگیری حق شان طفره می روند دسته جمعی به امید اینکه گوشه برای شنیدن دادخواهی خود پیدا کنند روانه تهران مرکز دارلخلافة اسلامی شدند.



مرتضی اکبریان (از کارگران اخراج شده گروه ملی فولاد) در این رابطه گفت: ما پس از اخراج و بسته شدن "کارت‌ها با جمعی به تهران آمديم تا در تماس با بانک ملی به عنوان مالک اصلی شرکت و همچنین جمعی از نمایندگان مجلس مطالبه بازگشت به کار خود را مطرح کنیم. ما با بانک ملی در جلساتی در تهران اتمام "حجت کردیم زیرا به عنوان کارگر مجموعه به دنبال تنش نبودیم

در میان اسامی نهادهایی که کارگران اخراجی قصد دادخواهی از آنها را دارند نامی از وزارت کار برده نشده. دلیل اش این است که کارگران می دانند از این امام زاده اگر کور نکند، شفا نمی دهد و عطای شکایت از این وزارتخانه را که نظارت بر اجرای قانون کار یکی از وظایف آن است به لقایش بخشیدند

البته مراجعه به مدیران بانک ملی و نمایندگان مجلس که خود از عوامل این حق کشی ها و خدمتگزار سرمایه داران هستند گر چه کار نادرستی نیست ولی من بعید می دانم ثمری از آن نصیب کارگران بشود

مجازات ۲۵ کارگر فولاد بخاطر طلب حقوق اولیه و مسلم شان توسط مدیران اقدامی است جهت ارباب کارگران و جلوگیری از حرکت‌های حق خواهانه آتی. بنا بر این اگر کارگران فولاد کوتاه بیایند راه را برای حق کشی و قانون شکنی های بعدی مالک شرکت هموار می کنند. بهمین دلیل در این شرایط وانفسا که فشار و ستم بر طبقه کارگر از سوی رژیم و سرمایه داران زور گو بیشتر می شود، اتکای کارگران به نیروی جمعی خود با توسل به اعتصاب برای وادار کردن مدیران به تامین مطالبات کارگران و رعایت آن در آینده بسیار حیاتی است

مراجعه به کارگران دیگر در اهواز و خوزستان و همچنین به فعالان جنبش ها و نهادهای مدنی دیگر و اشخاصی که میان مردم شهر نفوذ دارند برای جلب حمایت آنها قطعاً به کارگران کمک می کند زودتر و راحت تر به حقوق پایمال شده خود برسند. متأسفانه باید بگویم در حال حاضر من هیچ راه دیگری غیر از این نمی بینم.

موفقیت هر اعتصابی بیشتر از همه بستگی به داشتن تشکل پایدار مستقل و کیفیت سازماندهی اعتصاب دارد. تجربه اعتصابات مکرر کارگران فولاد خود ضرورت داشتن تشکل پایدار را اثبات می کند. مهم نیست نوع تشکل چه باشد، مهم این است که مستقل بوده و از حمایت اکثر کارگران بتواند برخوردار شود



ادامه اعتراضات کارگران فولاد در اهواز

روز، دوشنبه ۷ مهرماه، کارگران گروه ملی فولاد ایران در اهواز در اعتراض به بی‌توجهی به مطالبات خود مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند سپس به سوی فرمانداری اهواز راهپیمایی کردند. این اعتراضات که . از دو هفته پیش آغاز شده است همچنان ادامه دارد

پرداخت حقوق مرداد و شهریور ماه، پایان دادن به قطع اضافه‌کاری، پرداخت پاداش‌ها و مزایای کارکنان مهمترین مطالبات کارگران فولاد هستند



اعتراضات در شرکت‌های نفتی همه روزه شده است

ادامه اعتراضات کارکنان پالایشگاه پارس جنوبی

روز شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴، همکاران ما در پالایشگاه فاز ۱۴ مجتمع گاز پارس جنوبی، در اعتراض به تعویق پرداخت چهار ماه دستمزد و نداشتن امنیت شغلی و وعده‌های دروغین مسئولان و عدم پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود، درب ورودی اصلی پالایشگاه را بستند و اجازه ورود به هیچ فرد یا وسیله‌ای را ندادند. در شهرستان SPGC طبق گزارشات همزمان با تحویل رسمی فاز ۱۴ پارس جنوبی به شرکت بهره‌برداری کنگان، تعدادی از همکاران در خطر اخراج قرار دارند.

این درحالی است که سایت معلوم الحال ایلنا در سرتیتر بزرگی از ورود دادستان کنگان به این موضوع بخاطر بنا بر خبرها در پی اعتراضات همکاران ما در .اهمیت این موضوع و پرداخت معوقات کارگران خبر میدهد پالایشگاه فاز ۱۴ سید محمد موسوی پویا دادستان کنگان در محل حاضر شده و با همان وعده‌های همیشگی از تعیین مهلت ۴۸ ساعته برای پرداخت حقوق همکاران خبر داده است. اما همکاران باوری به این وعده‌ها ندارند و تا زمانیکه طلب‌های همکاران به حساب‌های آنها واریز نشود، اعتراض ادامه خواهد داشت.



هفت تپه همچنان پر تلاش پر خروش به حق خواهی ادامه می دهد



زندگی با حقوق زیر ۵۰ میلیون تومان بدون یارانه و کالا برگ ممکن نیست/ سبد معیشت ۲.۷ برابر شد

خانواده‌های کارگری برای زنده ماندن و بقا به ۵۰ میلیون تومان درآمد ماهانه نیاز دارند؛ غیر از این باشد، باید با یارانه و کالا برگ امور زندگی را مدیریت کنند؛ چرا کارگری که متخصص و با سابقه است و از قضا در آستانه بازنشستگی‌ست در اکثر موارد نصف این رقم هم درآمد ندارد؟



بازنشستگان در رشت خواهان لغو احکام اعدام شدند

در تجمع اعتراضی روز گذشته ۶ مهر بازنشستگان و همراهان آنان در رشت تظاهر کنندگان علاوه بر طرح و درخواست مطالبات اقتصادی و معیشتی خود جان باختن سمیه رشیدی در زندان به علت تعلل زندانبانان در انتقال به موقع به بیمارستان را (قتل) خوانده آنرا محکوم کردند. همچنین معترضین صدور احکام اعدام را محکوم نموده و خواهان لغو احکام اعدام و آزادی، شریفه - منوچهر و پیمان شدند. آزادی مسعود فرهیخته معلم مبارز که اخیرا به سه سال زندان محکوم شد از دیگر مطالبات تظاهرات روز گذشته رشت بود

تظاهرات سراسری بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و معدن نیز روز گذشته با تاکید بر افزایش حقوق، درمان رایگان، اجرای دقیق همسان سازی، پرداخت به موقع مستمری ها همراه با مخالفت با ادغام صندوق های بازنشستگی برگزار شد. بازنشستگان در تجمع های روز گذشته خود همچنین خواستار آزادی زندانیان از جمله؛ داوود رضوی، مسعود فرهیخته و شریفه محمدی شدند. گفتنی است بازنشستگان فولاد و معدن که از اصفهان برای اعتراض با مدیران تامین اجتماعی به تهران آمده در حالی که نمایندگان شان مشغول چانه زنی با مدیران تامین اجتماعی بودند تظاهرات روز گذشته را مشترکا با بازنشستگان تامین اجتماعی برگزار کردند.



علام اعتصاب غذای ۱۹ نفر از زندانیان سیاسی زن در زندان قرچک

موج اعتراض ها به چگونگی مرگ سمیه رشیدی، زندانی سیاسی در زندان قرچک ورامین و فشارها، محدودیت ها و محرومیت هایی که زندانیان زن این زندان تحمل می کنند رو به افزایش است.

نفر از زندانیان سیاسی زن محبوس در زندان قرچک نیز در سوگواری همبندی شان سمیه رشیدی، و در ۱۹ اعتراض به برخوردهای غیرمسئولانه از سوی مسئولان زندان قرچک، و عدم پاسخگویی و پذیرش مسئولیت



خود و همچنین در اعتراض به عدم انتقال زندانیان سیاسی زن به زندان اوین، روز دوشنبه ۷ مهر اعلام کردند که دست به اعتصاب غذا می‌زنند.

این اعتصاب از فردا سه‌شنبه ۸ مهرماه به مدت دو روز برگزار خواهد شد. در سه ماه گذشته، وضعیت نگهداری زنان زندانی سیاسی در بند قرنطینه زندان قرچک نگرانی‌های زیادی را برانگیخته است.



سه سال از حبس ظالمانه داود رضوی گذشت

داود رضوی، عضو هیئت‌مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، روز ۵ مهرماه ۱۴۰۱ با هجوم مأموران امنیتی بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. کمی پیش‌تر، در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ و در آستانه‌ی روز جهانی کارگر، مأموران امنیتی با شکستن در منزل و رفتار خشونت‌بار، اقدام به تفتیش و ضبط وسایل شخصی او کردند؛ در حالی که داود رضوی در منزل حضور نداشت.

پس از گذراندن ۲۱ روز انفرادی در بند ۲۰۹ زندان اوین، او به بند ۲۴۰ این زندان منتقل شد. سپس در تاریخ ۲۷ آذر ۱۴۰۱ به‌طور ناگهانی و بدون اطلاع قبلی به بند ۶ زندان تهران بزرگ انتقال یافت. در این مدت، به‌صورت بلا تکلیف و تنها با تمدید قرار بازداشت موقت در زندان نگه داشته شد. سرانجام، دادگاه او در ۱۵ اسفند ۱۴۰۱، پس از پنج ماه بلا تکلیفی، در شعبه‌ی ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست ابوالقاسم صلواتی برگزار شد. اتهام مطرح‌شده علیه داود رضوی، «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» بود.

در ۲۰ فروردین ۱۴۰۲ داود رضوی از زندان تهران بزرگ به بند ۶ زندان اوین منتقل شد و اکنون در بند ۷ زندان اوین دوران حبس ظالمانه خود را می‌گذراند. در ۱۷ خرداد ۱۴۰۲، حکم او توسط دفتر قاضی صلواتی به وی ابلاغ شد. براساس این حکم، داود رضوی به پنج سال حبس تعزیری و دو سال محرومیت از فعالیت در فضای مجازی و فعالیت در گروه‌های سیاسی و صنفی محکوم گردید. با وجود اعتراض و ارائه‌ی لایحه دفاعی، در تاریخ ۱۱ تیرماه، حکم پنج سال حبس تعزیری او عیناً در شعبه‌ی ۲۶ دادگاه تجدیدنظر تأیید شد.

طی این سه سال حبس ناعادلانه، به دلیل فشار بازجویی‌ها، انفرادی‌های طولانی، شرایط سخت زندان و همچنین سن و سال ایشان، مشکلات جسمانی متعددی از جمله خونریزی معده، بیماری‌های گوارشی، دندان و چشم برایش به وجود آمده و بارها نیازمند پیگیری و درمان پزشکی بوده است.



داود رضوی که سالیان سال پیگیر ابتدایی‌ترین مطالبات همکاران خود بوده است، به اجبار بازنشسته شد و بارها تحت بازداشت، تعقیب قضایی و آزار نیروهای امنیتی قرار گرفت. او اکنون با اتهاماتی کذب و حکمی ناعادلانه، با وجود شرایط دشوار جسمانی، در زندان اوین محبوس است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه تداوم حبس داود رضوی را بشدت محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی‌قیدوشرط او و کلیه کارگران، معلمان و فعالان مدنی زندانی است.

به امید برقراری عدالت در ایران و سراسر جهان

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

مهر ۱۴۰۴ ۶

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>